

حکمرانان گیلان

(در عهد زندیه و قاجاریه)

○ محمدرَسُول دریاگشت

صحیح است. چون وی در آن عصر نیمی از این ایام را از ما جلوتر بوده و اسناد معتبرتری در اختیار داشته، در همان عهد از خاندان منجم‌باشی افرادی مصدر کار بودند و حیات داشتند که در بازگویی شرح خاندان خود موثق بودند و به افراد اولیه هم نزدیکتر بودند. این افراد در حقیقت از نوادگان میرزاموسی نایبرشتی اسناد و اطلاعاتی در اختیار داشتند که طبعاً درست‌تر بود. سندی که او ارائه داده دقیقاً براساس مدارک و دلایلی طراحی شده که صلابته معتبر به نظر می‌آید.

چهار سال پیش نگارنده فرمانی را دیدم که در عهد محمدشاه و از طرف این پادشاه خطاب به میرزا عبدالباقی منجم‌باشی صادر شده و طی آن لقب «منجم‌باشی» به او تفویض شده است. در آن فرمان به مرحومان میرزاموسی و حاج آقا بزرگ که پسر میرزا عبدالباقی بوده با قید مرحوم اشاره شده است. دوران پادشاهی محمدشاه طی سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ بوده و این فرمان که در بالا به آن اشاره شده در طول همین ایام که او پادشاه بود صادر شده است، بنابراین ذکر سال ۱۲۶۵ برای فوت میرزا موسی قطعاً نادرست است.

موضوع دیگری که باید یادآوری شود اینکه، به درستی معلوم نیست که منظور مؤلف از واژه حکمران و یا حاکم چه بوده است؟ یک وقتی بوده که فردی را از حکومت مرکزی به عنوان حاکم به ولایتی می‌فرستادند و او مستقیماً در سر کار خود بوده است. در این صورت تکلیف روشن است. زمانی هم بوده که شخصی از منسوبین دربار و شاهزادگان حکم می‌گرفته و او را حاکم ولایتی می‌کردند و آن شخص فرد دیگری را تحت عنوان نایب‌الحکومه، وزیر و یا پیشکار به آن ولایت می‌فرستاده (مانند چند تن از خاندان منجم‌باشی که در این کتاب از آنان نام برده می‌شود و حاکم معرفی شده‌اند). مثلاً کامران میرزا نایب‌السلطنه که در سال ۱۲۹۶ هجری قمری از طرف ناصرالدین شاه امور حکومت حدود چهارده ولایت از جمله گیلان به او سپرده می‌شود، طبعاً شخص دیگری از طرف او مأمور اداره ولایت گیلان بوده که در اینجا آن شخص معرفی نشده، ولی در مورد بعدی زیرعنوان **عبدالله خان والی** به این موضوع اشاره شده است. این وضعیت و دوگانگی در بعضی موارد در این مجموعه مشاهده شده است یا افرادی مانند **میرزا کوچک خان و احسان‌الله خان دوستدار** در این کتاب به عنوان حاکم معرفی شده‌اند که نباید آنان را مأمور دولت مرکزی پنداشت. اینان از طریق دیگری بر سر قدرت بوده‌اند. توضیحات کافی در هر مورد باید آورده می‌شد که دیده نمی‌شود.

در هر صورت کاری را که مؤلف انجام داده حاکی از کوشش و جدیت پی‌گیر ایشان بوده، و محققاً مورد استفاده جویندگان و پژوهشگران قرار خواهد گرفت. محتویات کتاب به این شرح است. بخش اول: نگاهی به تاریخ گیلان در عهد زندیه و قاجاریه (حدود ۸۰ صفحه) مؤلف در این بخش اطلاعات مفید و سودبخشی در اختیار خواننده گذاشته است. بخش دوم: شرح حال کوتاه هر یک از حکمرانان است که در پایان هر کدام از منابعی که بدانها رجوع شده چاپ شده است. وقایع و اتفاقات در عهد حاکم وقت را در سرحد امکان توضیح می‌دهد و اشاره می‌کند.

منابع معروف دیگری مانند **طریق الحقایق**، **سفینه‌الانشاء**، **منتخب‌التواریخ**، **تاریخ منتظم ناصری** و... از دید مؤلف محترم پنهان مانده است. ولی در اصل کتمان نمی‌توان کرد که مؤلف جوان و پژوهشگر پویای این مجموعه مفید، برای گردآوری مطالب این مجموعه زحمات زیادی را متقبل شده تا سعی کرده کتاب مفیدی ارائه دهد.



○ حکمرانان گیلان (در عهد زندیه و قاجاریه)
○ تألیف: هومن یوسفزهی
○ نشر گیلکان، ۱۳۸۲
○ ۳۰۴ ص، ۲۰۰۰۰ ریال،
○ شابک ۹۶۴-۹۳۳۷۲-۱۰۰

طی سالهای ۱۱۶۲ تا ۱۳۴۴ هجری قمری، یعنی تا سال ۱۳۰۴ شمسی که مصادف با روی کار آمدن **رضاشاه** و تشکیل حکومت پهلوی است طبق فهرستی که در کتاب حاضر ارائه شده حدود نود نفر به عنوان حاکم یا صاحب اقتدار، گیلان را اداره می‌کردند. گاه یکی از آنان طی این دوران دو یا سه بار مصدر کار بوده‌اند که به این موارد هم اشاره شده است. اولین آنان **حاجی جمال فومنی** از اولادان **امیره دباچ اسحاقی** است که در سال ۱۱۶۲ ه. ق. حاکم گیلان بود، و آخرین نفر **امیرخان خواجه نوری نظام‌السلطان** (نظام‌الدوله) بود که حدود سالهای ۱۳۰۳ / ۱۳۰۴ ش. حاکم گیلان بوده است.

کار پسندیده و نیکویی است که مؤلف انجام داده و نشر گیلکان (رشت) این اثر را منتشر کرده است. مندرجات این مجموعه جستجوگران تاریخ را که به دنبال شرح حال و خدمات مصادف امور درگذشته به‌ویژه در ۲۰۰ سال مورد نظر در این کتاب هستند مفید فایده است. فهرست شصت و چهار فقره منابع که مورد استفاده مؤلف واقع گردیده در این مجموعه چاپ شده که همگی به جز چند مورد به هیچ‌وجه قابل اعتماد و مستند نیستند نشانگر جست‌وجو و کوشش ارزنده پژوهشگر کوشا است. اتفاقاً همان مأخذ نامطمئن خللی در کار گردآورنده پدید آورده است.

در صفحه ۱۳۴ کتاب فردی به نام **حاج آقا بزرگ منجم‌باشی** که یکی از حاکمان گیلان بوده چنین معرفی شده

است: «حاجی آقابزرگ پسر میرزا علیا و برادرزاده میرزاموسی نایب رشتی بود... درباره همین شخص به موجب مأخذ دیگری در صفحه ۱۶۸ اینطور نوشته شده: «میرزامهدی منجم‌باشی لنگرودی فرزند میرزا عبدالباقی پسر میرزا محمد مهدی (حاج آقا بزرگ) پسر میرزا موسی منجم‌باشی لنگرودی...» ضبط دوم که ذیل شرح حال **میرزامهدی** نوشته شده صحیح است و آن دیگری اشتباه است. حاج آقا بزرگ پسر **میرزا موسی منجم‌باشی** بوده، نه فرزند شخصی به نام **میرزا علیا**.

در چند سال اخیر دیده شد که چند تن از گیلانیان ارجمند در مورد خانواده منجم‌باشی لنگرودی، در اینجا و آنجا قلم‌فرسایی کرده‌اند، جملگی این آقایان در تشخیص خود دچار سهو شده‌اند. از خاندان منجم‌باشی چند نفری که حاکم و مصدر کار حکومتی بوده‌اند در این کتاب نام برده می‌شود. ریشه اولیه اشتباه هم از میرزا موسی نایبرشتی ناشی می‌شود، و میرزا موسای دیگری که نام او در ردیف افراد این خاندان برده می‌شود. اینجانب حدود سی‌زده - چهارده سال است برای اینکه شرح حال درست و بدون اشتباه خاندان منجم‌باشی لنگرودی را بنویسم و به صورت یک کتاب منتشر کنم به منابع متعدد و معتبر اعم از کتب تواریخ، سفرنامه‌ها، خاطرات و اسناد مراجعه کرده‌ام که نام بعضی منابع خویش را در فهرست منابع نام برده شده در کتاب حاضر ندیده‌ام. چون هر از چندگاه منبع جدیدی به دست می‌آید، کنجکاو می‌شوم و کار انتشار به تعویق می‌افتد. هرچقدر به جلو می‌روم تا حدود زیادی نظر، ه. ل. **رایینو** و شجره‌نامه‌ای از این خاندان که او در کتاب **ولایات دارالمرز** چاپ کرده تأیید می‌شود و به درستی آن می‌رسیم.

نگارنده در پی جست‌وجو درباره سوابق تاریخی خاندان حکومتگر منجم‌باشی لنگرودی که حدود ۲۵۰ سال افراد شاخصی از این خاندان در گیلان و منطقه شرق گیلان حکومت کرده‌اند به دلایل قانع‌کننده‌ای رسیده‌ام که اینجا به آنها اشاره می‌کنم. رایینو با آن علاقه‌مندی فوق‌العاده، حدود ۹۰ سال پیش درباره این خاندان شرحی نوشته و مطالبی ذکر کرده که کاملاً